

آسیب‌شناسی علوم انسانی در ایران

حسینعلی قبادی^۱

چکیده

منزلت و وظیفه علوم انسانی، مسئله‌یابی، کشف و تبیین مسائل و استنباط راهبرد و تعیین مسیر و «نشان دادن راه»^۲ است. بنابراین، رویکرد موازی کاری و با منطق «هر چیزی را از ابتدا شروع کردن» همچنین حاکم‌سازی و رایج ساختن نگاه صدقه‌آمیز، تعارف‌انگیز به علوم انسانی و به کارگیری روش‌های شتاب‌آلود غیرعلمی در این حوزه از دانش‌ها که اخیراً در کشور راه پیدا کرده و منابع انسانی و مالی فراوان را مصروف داشته، نه تنها در مسیر مسئله‌یابی خالصانه علمی راه نپوییده که در واقع بر موانع قبلی توسعه علوم انسانی افزوده است و در این رویکرد با به خدمت گرفتن عناصر ضعیف و شبه عالم و نگاه پروژه‌ای و قصری و کنار گذاشتن فرایندهای طبیعی روشمند علمی در این علوم، عملاً حق نهادمندی و مسئله‌یابی و مشکل‌گشایی از علوم انسانی سلب می‌شود و شکوفایی

۱. رئیس پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی

۲. ر.ک. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۵/۱۱/۲.

این دانش‌ها سد و در وضعیت نزول به سطح و فقدان کارآمدی ساقط خواهد شد و این دست و پا زدن‌ها نه تنها به اعتلای علوم انسانی نخواهد انجامید، بلکه با شوخی با نهادمندی‌ها و استلزامات قواعد و فرایندها به تقلیل‌گرایی تلقی از کارآمدی علوم انسانی و کاستی مفاهیم ناب آن نیز منتج خواهد شد. تأسف‌بارتر آنکه از سر ضعف لغت‌دانی و پای فشاری در باقی ماندن در غورگی حتی در وضع اصطلاح و ترکیب‌سازی در حوزه علمی برخوردی غیرجدی صورت می‌گیرد و سلسله آسیب‌های جدید عوام‌زدگی مدرن و هویت‌های تصنعی نیز به این علوم افزوده شده است.

آنچه در پی می‌آید عمدتاً حاصل تجربیات و دست و پنجه نرم کردن با فرایندهای مدیریت تحقیقات، زمینه‌ها، عوامل مرتبط با آن و موانع فراروی توسعه دانش و پژوهش علوم انسانی در کشور بوده است.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، آسیب‌شناسی، ایران، نظام آموزشی، مدیریت تحقیقات